

استاندار البرز:

ملت ایران در پاسداری
از خون شهدا
ثابت قدم هستند

در باب لزوم مدیریت منابع در شرایط بحرانی؛

صرفه جویی به مثابه مسئولیت

«دنیای هوادار» از راهی نو برای عبور از وعده‌های عمل نشده می‌گوید؛

باز کردن گره سبز از جیب بانگ‌ها

در محکومیت حمله وحشیانه رژیم جعلی به سپاه امام حسن مجتبی (ع)؛

خون در شریان کرج، آتش در چشم تاریخ

«فرمانده سپاه البرز»: همچنان آماده جانفشانی هستیم



شهر کرج به فیض عظمای شهادت رسیدند که تاکنون اجساد مطهر ۲۱ تن از این شهدای گرانقدر شناسایی و اعلام شده است.

نابودی این غده سرطانی در امتداد اهداف راهبردی نظام اسلامی، برگرفته از آرمان‌های امام راحل عظیم‌الشان، رهنمودهای مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) و ادامه‌ی مسیر خونین و پرافتخار شهدای وطن خواهد بود. در آستانه ماه محرم، یادآور قیام جاودانه‌ی سیدالشهدا (ع)، بر این حقیقت تأکید می‌کنیم که مکتب عاشورا الهام‌بخش مجاهدت و ایستادگی ما در راه حق است. همراهی مردم، همدلی مسئولان و انسجام ملی رمز پیروزی ماست و این همبستگی در استان البرز، جلوه‌ای باشکوه از امت ولایتمدار و انقلابی را به نمایش گذاشته است. در حمله ددمنشانه رژیم صهیونیستی جمعی از فرماندهان و پرسنل سپاه امام حسن مجتبی (ع) روز گذشته در

وی ادامه داد که بی تردید صبر، همراهی، و بصیرت شما عزیزان در روزهای دشوار، مایه‌ی دلگرمی رزمندگان انقلاب اسلامی است و یادآور آن است که خون شهیدان، هرگز پایمال نخواهد شد بلکه مانند آبی زلال، نهال انقلاب را سیراب و مسیر عزت و استقلال ملت را هموار خواهد کرد. سپاه امام حسن مجتبی (ع) با اقتدار کامل، مأموریت‌های محوله را دنبال کرده و حافظ امنیت و کیان نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران در استان البرز خواهد بود. در ادامه بیانیه فرمانده سپاه البرز آمده است که در این مجال، حمله‌ی بزدلانه و جنایتکارانه رژیم اشغالگر صهیونیستی را به شدت محکوم کرده و بر این باوریم که

فرمانده سپاه امام حسن مجتبی (ع) استان البرز در بیانیه‌ی ای اعلام کرد: ما پاسداران انقلاب و بسیجیان استان همچون گذشته آماده جانفشانی در راه حفظ امنیت و آرامش مردم شریف استان و کشور هستیم و لحظه‌ای در انجام وظایف و مأموریت‌های خود درنگ نخواهیم کرد. به گزارش «دنیای هوادار» به نقل از روابط عمومی سپاه امام حسن مجتبی (ع) استان البرز، در بیانیه سردار «علیرضا حیدرنیا» آمده است: شهادت مظلومانه‌ی جمعی از پاسداران، بسیجیان و سربازان جان‌پرک در راه دفاع از امنیت و کیان این مرز و بوم به مردم فهیم، خانواده‌های معظم شهدا، ایثارگران، نیروهای غیور بسیج و پاسداران جان‌پرک استان البرز اعلام می‌دارم.

یاد و خاطره شهدا، به ویژه «شهید مهدی رضوانی یکتا» که ۲۳ فروردین ۶۲ به مقام شامخ شهادت نائل گشت، گرامی باد



سرمقاله

اقتصاد بی فساد، سلاح

نجات بخش در نبردهای بی پایان

سارانشی

جنگ پدیده‌ای بی‌ثبات کننده است که تمام معادلات اقتصاد را تحت تأثیر قرار می‌دهد، چون اقتصاد در محیط با ثبات رشد می‌کند. اما جنگ روندی جدید ایجاد می‌کند که قابل پیش‌بینی، محاسبه و برنامه‌ریزی نیست. از سویی جنگ گستردگی بالایی دارد و فقط یک یا چند حوزه را تحت تأثیر قرار نخواهد داد. جنگ علاوه بر حوزه‌های امنیتی و نظامی، بر حوزه بهداشت و درمان، آموزش، تغذیه، جمعیت، اشتغال، مهاجرت و... تأثیرگذار است از این رو تمامی افراد جامعه به موضوع جنگ اهمیت می‌دهند. هزینه‌های غیرمستقیم جنگ شامل خسارت به زیرساخت‌ها، تخریب محیط زیست، کاهش سرمایه‌گذاری‌های خارجی، کاهش بهره‌وری نیروی کار، و اثرات اجتماعی و فرهنگی مختلف است. به عنوان مثال، وقتی کشوری درگیر جنگ است، زیرساخت‌های حیاتی مانند جاده‌ها، پل‌ها، و بیمارستان‌ها آسیب می‌بینند و این می‌تواند منجر به کاهش کیفیت زندگی شهروندان و افزایش مشکلات اجتماعی شود. تأثیر اقتصادی جنگ که به صورت غیرمستقیم است، معمولاً به سرعت قابل مشاهده نیستند و ارزیابی آن‌ها به زمان بسیار بیشتری نیاز دارد. بر اساس پژوهش‌های انجام شده در حوزه اقتصاد جنگ، هزینه‌های غیرمستقیم جنگ می‌تواند در اقتصاد پس از جنگ احساس شوند. زیرا جامعه نیاز به مدت زمان طولانی برای بازسازی و بهبود داشته و در این فرآیند اغلب با چالش‌های اقتصادی و سیاسی متعددی مواجه می‌شود. نگاهی به تجربه اداره کشور در دوره دفاع مقدس در تمامی دوره‌ها درس آموز و راهگشاست. امروز ایران در جبهه اقتصادی درگیر نبردی سهمگین و طاقت فرساست. یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های مدیران اقتصادی کشور در دوران دفاع مقدس سلامت آن‌ها بود. همین مولفه باعث شد که کشور در سخت‌ترین شرایط بتواند موتور اقتصاد را به حرکت درآورد. سلامت مدیران اقتصادی و دولتی در زمان جنگ باعث شده بود که اقتصاد ایران با وجود جنگی تمام عیار، از مسیر توسعه منحرف نشود. با وجود آنکه بیش از ربع قرن از پایان جنگ تحمیلی می‌گذرد، اما هنوز تجربیات آن دوران می‌تواند کلاس درسی برای امروزی‌ها باشد. عبور موفق ایران از پیچ تند جنگ نشان داد سلامت اقتصادی و نبود فساد می‌تواند بزرگ‌ترین ابزار برای اداره کشور باشد.



ژاپن برای نخستین بار در خاک خود آزمایش موشکی ژاپن انجام داد

ارتش ژاپن اعلام کرد که روز گذشته برای نخستین بار آزمایش موشک سطح به کشتی از نوع تیپ ۸۸ را در خاک این کشور انجام داد. این آزمایش در میدان تیر صدهوایی شیزونای در جزیره هوکایدو، شمالی‌ترین جزیره اصلی ژاپن، صورت گرفت. در این آزمایش، حدود ۳۰۰ نیروی نظامی از تیپ توپخانه‌های نیروهای زمینی دفاع از خود ژاپن (GSDF) شرکت داشتند و یک موشک آزمایشی را به سوی یک قایق بدون سرنشین در فاصله ۴۰ کیلومتری از سواحل جنوبی هوکایدو شلیک کردند. مقامات نظامی ژاپن اعلام کردند که هنوز در حال بررسی نتایج دقیق این آزمایش هستند. پیش از این، به دلیل محدودیت‌های فضایی و نگرانی‌های ایمنی، ژاپن معمولاً آزمایش‌های موشکی خود را در خاک آمریکا یا استرالیا، دو متحد نظامی مهم خود که دارای میدان‌های آموزشی وسیع‌تری هستند، انجام می‌داد.



چهارشنبه ۴ تیر ۱۴۰۴ شمارگان ۱۸۴۰

دنیای سوادار

رویداد

داستان جلد

در محکومیت حمله وحشیانه رژیم جعلی به سپاه امام حسن مجتبی (ع)؛

خون در شریان کرج، آتش در چشم تاریخ



فشارهای معیشتی تاب آورده‌اند، حالا با بغض تازه، با خونی تازه‌تر، عهدی خونین با شهیدان تازه‌رسیده خود می‌بندند.

از مهرشهر تا رجایی‌شهر، از بلوار طالقانی تا مصلی، از خانه‌های کوچک تا دل‌های بزرگ، صدایی برخاسته که با هیچ بمب و موشکی خاموش نخواهد شد: ما ایستاده‌ایم. شهیدان ما، نه فقط سوگواری؛ آن‌ها دلیل زنده ماندن آرمان‌هایی‌اند که دشمن از درک آن عاجز است. آن‌ها یادآور روزهایی هستند که مردان این خاک، با سلاح و دعا، با ایمان و گلوله، در برابر ارتش‌های تاب‌ن دندان مسلح ایستادند و خم نشدند.

اکنون، پیکرهای بی‌جان ما روح‌های زندهٔ ۲۱ شهید، نه فقط در سنگرهای نظامی، که در جان این شهر رژه می‌روند. هر خاکریزی در البرز، هر پلاکاردی در خیابان‌های کرج، و هر دست گرونده‌ای در مراسم تشییع این شهید، پاسخی است به رژیم سفاکی که گمان کرده با ترور می‌توان حجازش را پنهان کند. ما اما شهیدان مان را نه فقط در گورستان‌ها، که در جان مقاومت، در شعر حماسه و در نبض انتقام زنده نگه می‌داریم. به یادشان قسم، که این راه ادامه دارد. و صهیونیسم بداند: ضربهای که می‌زند، زنجیرهای از خشم و

ایمان روزبهرانی

دوباره کرج، صدای ضجه مادران را در دل کوچه‌هایش پیچیده دید؛ دوباره از خانه‌هایی در مهرشهر، فردیس و باغستان، بوی خون بلند شد. خون پاک ۲۱ فرزند ملت، ۲۱ مرد میدان، ۲۱ سرباز وطن که در حمله‌ای ددمنشانه و بزدلانه، آماج کینه‌ی رژیمی قرار گرفتند که تاریخ هنوز نتوانسته موجودیت نامشروعش را هضم کند. رژیم جعلی صهیونیستی، که بقای خود را در هرج و مرج منطقه و خون‌ریزی ملتها می‌جوید، این‌بار دستش را به خون عزیزانی آغشته کرد که سال‌ها شبانه‌روزی برای امنیت همین مردم، همین خاک، همین پرچم جنگیده بودند. سپاه امام حسن مجتبی (ع) نه فقط یک یگان نظامی که یکی از ستون‌های امنیت و ایستادگی استان البرز است؛ جایی که امروز نه تنها پایتخت مقاومت در غرب تهران بلکه دروازه غیرت مردمانش به روی تاریخ گشوده شده است. رژیم صهیونیستی باید بداند این دشمنی که به قلب کرج فرو رفت، بی‌پاسخ نخواهد ماند. این تنها یک عملیات تروریستی نبود؛ این ترور امنیت، عزت، و سربلندی ملت ایران بود. و مردمی که در آتش تحریم، جنگ ترکیبی و

چین می‌تواند به خرید نفت ایران ادامه دهد

ترامپ



دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا در پی آتش بس میان رژیم اسرائیل و ایران اعلام کرد: «چین حالا می‌تواند به خریدن نفت از ایران ادامه دهد. امیدواریم، آن‌ها خیلی (نفت) هم از آمریکا بخرند». دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا روز سه شنبه به وقت محلی در شبکه اجتماعی خود موسوم به تروث سوشال نوشت: «چین حالا می‌تواند به خرید نفت از ایران ادامه دهد. امیدوارم، آن‌ها از ایالات متحده نیز خیلی (نفت) خریداری کنند. این افتخار بزرگی برای من بود که این اتفاق افتاد!» بعد از آن که دونالد ترامپ در دور اول ریاست جمهوری خود در سال ۲۰۱۸، آمریکا را از برجام خارج کرد، با اعلام سیاست «فشار حداکثری» تلاش کرد تا فروش نفت ایران را با وضع تحریم‌های بی‌سابقه به صفر برساند که تاکنون موفق نشده است. چین، بزرگ‌ترین خریدار نفت ایران است.

ترامپ پیشتر با اشاره به تصمیم خود برای وضع تحریم‌های جدید علیه نفت ایران، تهدید کرده بود هر کشوری که از ایران نفت بخرد حق تجارت با آمریکا نخواهد داشت.

رئیس‌جمهوری آمریکا این پیام را ساعاتی بعد از آن منتشر کرد که ایران و اسرائیل آتش بس را پذیرفتند. بهای نفت در بازارهای جهانی از شامگاه

دیشب و بعد از حمله ایران به پایگاه آمریکایی العدید در قطر و سپس انتشار خبر آتش‌بس ایران و اسرائیل کاهش یافته است. گفتنی است، ایالات متحده آمریکا به دستور دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری این کشور بامداد روز یکشنبه به وقت تهران (یکم تیرماه ۱۴۰۴) با تجاوز به سه سایت هسته‌ای فردو، نطنز و اصفهان، به جنگ نتانیاهو علیه ایران پیوست. رژیم اسرائیل بامداد روز جمعه ۲۳ خردادماه ۱۴۰۴، حمله تروریستی به تهران و تعدادی از شهرهای ایران را آغاز کرد و شماری از فرماندهان نظامی، دانشمندان و مردم غیرنظامی به شهادت رسیدند.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دوم تیرماه در بیانیه ای اعلام کرد: در پی تجاوز نظامی آشکار رژیم جنایتکار ایالات متحده آمریکا به تاسیسات هسته‌ای صلح‌آمیز جمهوری اسلامی ایران و نقض صریح حقوق بین‌الملل، با تدبیر شورای عالی امنیت ملی و راهبری قرارگاه مرکزی خاتم الانبیا (ص) «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» با رمز مقدس یا اباعبدالله الحسین (ع) در عملیات بشارت فتح پایگاه العدید قطر را هدف تهاجم ویرانگر و قدرتمند موشکی قرار داده است. این پایگاه، مقر فرماندهی نیروی هوایی و بزرگ‌ترین دارایی راهبردی ارتش تروریستی آمریکا در منطقه غرب آسیا است.

سیدعباس عراقچی وزیر امور خارجه ایران نیز با صدور پیامی تأکید کرد: بر اساس منشور سازمان ملل متحد و مفاد آن که اجازه پاسخ مشروع در چارچوب دفاع از خود را می‌دهد، ایران تمامی گزینه‌ها را برای دفاع از حاکمیت، منافع و مردم خود محفوظ می‌دارد.

سازمان انرژی اتمی نیز در بیانیه‌ای با اعلام

اینکه سایت‌های هسته‌ای کشور در فردو، نطنز و اصفهان طی اقدامی وحشیانه و مغایر با قوانین بین‌المللی، به ویژه معاهده عدم اشاعه سلاح‌های اتمی (NPT)، مورد تهاجم دشمنان ایران اسلامی قرار گرفت، تأکید کرد: اجازه نخواهیم داد که مسیر توسعه این صنعت ملی متوقف شود.

ترامپ بامداد سه شنبه سوم تیرماه نیز با تبریک به همه اعلام کرد: اسرائیل و ایران کاملاً توافق کرده‌اند که (تقریباً) ساعت دیگر، زمانی که اسرائیل و ایران مأموریت‌های نهایی و در حال انجام خود را به پایان برسانند! (۱) به مدت ۱۲ ساعت دیگر آتش بس کامل برقرار خواهد شد و در آن زمان جنگ پایان‌یافته تلقی خواهد شد!

ترامپ افزود: در طول هر آتش‌بس، طرف مقابل صلح‌آمیز و محترمانه باقی خواهد ماند. با این فرض که همه چیز طبق برنامه پیش برود، که قطعاً این‌گونه خواهد بود، مایلیم به اسرائیل و ایران، به خاطر استقامت، شجاعت و هوشیاری در پایان دادن به آنچه باید «جنگ ۱۲ روزه» نامیده شود، تبریک بگویم.

رئیس‌جمهوری آمریکا مدعی شد: این جنگی بود که می‌توانست سال‌ها ادامه یابد و کل خاورمیانه را نابود کند، اما این اتفاق نیفتاد و هرگز نخواهد افتاد! خداوند اسرائیل را حفظ کند، خداوند ایران را حفظ کند، خداوند خاورمیانه را حفظ کند، خداوند ایالات متحده آمریکا را حفظ کند و خداوند جهان را حفظ کند!

جی دی ونس، معاون ترامپ هم در واکنش به طرح آتش بس رئیس‌جمهوری آمریکا گفت: فردا واقعاً روز جدیدی است، پایان جنگ ۱۲ روزه و من واقعاً معتقدم که آغاز بسیار بزرگ برای صلح در خاورمیانه است.



صرفه‌جویی به مثابه مسئولیت

یاسمن یزدانی

در روزهایی که کشور در معرض تجاوز خارجی قرار گرفته و بخش‌هایی از زیرساخت‌های حیاتی آن هدف حملات خصمانه آمریکا و رژیم صهیونیستی واقع شده، بیش از همیشه نیازمند انسجام، عقلانیت و رفتار مسئولانه در همه سطوح مدیریتی هستیم. صرفه‌جویی و مدیریت هزینه‌ها، دیگر نه یک توصیه اخلاقی یا یک الگوی اقتصادی، بلکه ضرورتی راهبردی برای تداوم خدمت‌رسانی، جلب رضایت مردم، و حفظ امنیت روانی جامعه است.

در این میان، نقش مدیریت شهری به‌ویژه در کلانشهری مانند کرج که نقطه تلاقی مهاجرت، رشد پرشتاب و تقاضای فزاینده برای خدمات شهری است، برجسته‌تر از همیشه است. علی‌سلطانی‌مقدم، معاون مالی و اقتصادی شهرداری کرج، با نگاهی هوشمندانه به وضعیت جاری، از مدیران و کارکنان خواسته تا با جدی گرفتن مسئولیت خود در مدیریت منابع و کاهش هزینه‌ها، در جهت حفظ پایداری اقتصادی و عملکردی شهرداری تلاش کنند.

نکته مهم در سخنان سلطانی‌مقدم، پیوند میان «صرفه‌جویی سازمانی» و «همدلی ملی» است. او صرفه‌جویی را تنها یک اقدام اقتصادی نمی‌داند؛ بلکه آن را از شئون همدلی در شرایط جنگی می‌خواند. یعنی کاهش هزینه‌ها، نه به‌معنای انفعال یا تعطیلی پروژه‌ها، بلکه تلاشی است برای استمرار خدمات‌رسانی به شهروندان، بدون تحمیل فشار بر بدنه مالی نهادهای عمومی.

این نگاه، نقطه مقابل نوعی ریاضت بی‌هدف و مقطعی است. در این رویکرد، مدیران و کارکنان موظف‌اند هر ریال را به‌گونه‌ای هزینه کنند که در خدمت اولویت‌ها باشد؛ پرداخت به‌موقع حقوق کارکنان، حفظ پروژه‌های عمرانی ضروری، جلوگیری از رکود خدمات پایه‌ای مانند نظافت، حمل‌ونقل، آب و فضای سبز، و در نهایت، حفظ روحیه عمومی در شهری که در جغرافیای جنگ روانی و اقتصادی جای گرفته است.

سلطانی‌مقدم همچنین با اشاره به احتمال کاهش صدور پروانه‌های ساختمانی به‌دلیل جو روانی ناشی از تجاوز نظامی، به‌نکته‌ای هوشمندانه در مدیریت درآمدی شهرداری اشاره کرده است. در شرایطی که برخی منابع درآمدی ممکن است با آفت مواجه شوند، چاره‌ای نیست جز اینکه سمت هزینه‌ها با دقتی چندبرابر مدیریت شود. این یعنی تغییر رویکرد از توسعه صرف به پایداری، از بلندپروازی به تعادل، و از هزینه‌محوری به بهره‌وری.

در همین راستا، نباید فراموش کرد که پرداخت به‌موقع حقوق کارکنان، خود یکی از عناصر کلیدی حفظ روحیه درونی در نهاد شهرداری است. مدیریت شهری کرج با پرداخت پیش‌موعود حقوق خردماه، این پیام را به کارکنان خود داد که در شرایط جنگ و تهدید، اعتماد و آرامش درونی، از ابزارهای دفاعی ماست. این اقدام نه‌تنها نشانه سلامت مالی دستگاه است، بلکه گامی استراتژیک برای جلوگیری از فروپاشی روانی بدنه‌ای که باید شهر را سرپا نگه دارد.

واقعیت این است که صرفه‌جویی در شرایط بحرانی، یعنی ایجاد ظرفیت برای مواجهه با آینده‌ای نامعلوم. امروز، در نبردی هستیم که نه‌فقط موشک و سلاح، بلکه پایداری اقتصادی، مدیریت هوشمند منابع و اخلاق اداری نیز بخشی از ابزار مقاومت‌اند. هر کاهش هزینه غیرضرور، خود یک موشک خاموش در دفاع از عزت این سرزمین است؛ و هر تصمیم برای حذف اسراف، تیری است در قلب جنگ‌افروزی دشمنی که همزمان با موشک، اقتصاد ما را نیز نشانه گرفته است.

کرج امروز، همچون بسیاری از شهرهای ایران، نه‌فقط میدان خدمات شهری، که میدان مقاومت مدنی و اقتصادی است. صرفه‌جویی، مدیریت هزینه‌ها، و بهره‌وری، سلاح‌های این میدان‌اند. و در این میدان، هر کارمند، هر مدیر، و حتی هر شهروند، یک رزمنده است.

نقش برجسته بخش خصوصی البرز در پایداری بازار

نایب رئیس اتاق بازرگانی البرز از تلاش شبانه‌روزی بخش خصوصی برای تأمین نیازهای مردم، ثبات‌بخشی به بازار و حمایت از زنجیره تولید استان خبر داد و تأکید کرد: امروز بیش از هر زمان دیگری نقش راهبردی بخش خصوصی در کنار دولت، ضامن پایداری اقتصادی کشور است.

یداله مالمیر روز سه شنبه در نشست با خبرنگاران با اشاره به تلاش مستمر بخش خصوصی در مسیر تأمین نیازهای مردم، ثبات‌بخشی به بازار و پشتیبانی از جریان تولید، بیان کرد: در مقطع کنونی، بیش از هر زمان دیگری نقش راهبردی بخش خصوصی در کنار دولت، به عنوان ستون پایداری اقتصاد کشور نمایان شده است.



دنیایک سوادار

۳ در شهر

چهارشنبه ۴ تیر ۱۴۰۴ شماره ۱۸۴۰

از «البرز» چه خبر؟

استاندار البرز:

ملت ایران در پاسداری از خون شهدا ثابت قدم هستند



سرهنگ پاسدار «غلام اوجانی»

سرهنگ دوم پاسدار «محسن کوهخیل»، خواهر پاسدار شهید «فاطمه صالحی» و بسیجی شهید «غلامرضا سوری» تأیید شد.

عبداللهی ضمن محکومیت قاطع این جنایت هولناک، افزود: بی‌تردید این فاجعه دردناک، عزم همگان را برای ادامه راه شهدا و تحقق اهداف مقدس نظام اسلامی جزم‌تر خواهد کرد.

سپاه امام حسن مجتبی (ع) استان البرز روز سه شنبه در بیانیه شماره یک خود خطاب به مردم شهیدپرور و ولایت‌مداران این استان اعلام کرد: در پی حمله ددمنشانه و ناجوانمردانه رژیم صهیونیستی در صبح روز دوشنبه، دوم تیرماه، به مقر ستاد سپاه امام حسن مجتبی (ع) استان البرز، جمعی از پاسداران سرافراز انقلاب اسلامی به فیض عظیم شهدا نائل آمدند.

در این بیانیه تأکید شده تا این لحظه، شهدا سردار سرتیپ پاسدار «مجتبی کرمی» «جانشین فرماندهی سپاه استان البرز، سردار «اکبر عنایتی» معاون اجتماعی سپاه استان البرز، حجت‌الاسلام والمسلمین «علی ترکاشوند» مسوول معاونت نظارت و بازرسی حوزه نمایندگی،

استاندار البرز با تسلیت شهادت جمعی از پاسداران وطن و مردم بی‌گناه استان البرز گفت: ملت بزرگ ایران و مردم ولایت‌مدار استان، همواره در پاسداری از خون پاک شهدا و آرمان‌های بلند انقلاب اسلامی استوار و ثابت‌قدم بوده و خواهند بود.

«مجتبی عبداللهی» روز سه شنبه در پیام تسلیت خود به خانواده معظم شهدا افزود: این اقدام وحشیانه و غیرانسانی که بار دیگر خوی تجاوزگر و ضدبشری رژیم صهیونیستی را به جهانیان نمایان ساخت، نغتنها خللی در عزم و اراده پولادین ملت سرافراز ایران وارد نخواهد کرد، بلکه همبستگی و روحیه ایثار و مقاومت را در میان آحاد مردم و نیروهای جان‌پرکف نظام اسلامی بیش از پیش تقویت می‌کند.

استاندار البرز گفت: شهدای والا مقام این حادثه، چون ستارگانی درخشان، مسیر عزت، سرپلندی و ایستادگی را برای همیشه روشن نگه خواهند داشت.

اعلام اسامی شهدای حمله هوایی رژیم اسرائیل به سپاه البرز

مسوول معاونت نظارت و بازرسی حوزه نمایندگی، سرهنگ پاسدار «غلام اوجانی» سرهنگ دوم پاسدار «محسن کوهخیل»، خواهر پاسدار شهید «فاطمه صالحی» و بسیجی شهید «غلامرضا سوری» تأیید شد.

سپاه امام حسن مجتبی (ع) استان البرز ضمن عرض تسلیت به خانواده‌های معزز شهدا و آحاد مردم ولایت‌مدار این استان، اعلام کرد: هم‌وطنان عزیز توجه داشته باشند که هرگونه اخبار و آمار منتشرشده در کانال‌ها و منابع غیررسمی و متفرقه فاقد اعتبار است.

بر اساس این بیانیه آمار رسمی، اسامی شهدا و اطلاعات تکمیلی تنها از طریق بیانیه‌های روابط عمومی سپاه امام حسن مجتبی (ع) استان البرز با درج در رسانه‌های معتبر رسمی منتشر خواهد شد و آیین تشییع و تدفین شهدا متعاقباً اطلاع رسانی خواهد شد.

اسامی کامل شهیدان گرانقدر، پس از طی مراحل قانونی و با هماهنگی خانواده‌های معزز ایشان، به صورت رسمی اعلام خواهد شد.

سه شنبه در بیانیه دوم خود هویت ۱۴ تن دیگر از شهدای والا مقام این حمله وحشیانه و ددمنشانه رژیم صهیونیستی به مقر ستاد سپاه امام حسن مجتبی (ع) را اعلام کرد.

بر اساس این بیانیه سرتیپ دوم پاسدار سید مجتبی معین پور، داود دیده بان شهروند کرجی، سرباز وظیفه فردین ابراهیمی، سرباز وظیفه سالار موسوی نژاد، سرباز وظیفه جواد ایزدی، پاسدار ابراهیم نظری، سرهنگ پاسدار رضا زمان زاده، سرهنگ پاسدار محمد روشندل، سرهنگ پاسدار داود زندیه، سرهنگ پاسدار علی عسگری، سرهنگ دوم پاسدار سعید شریفی، سرهنگ دوم پاسدار ولی رضا زاده، سروان پاسدار علی جوادی پور و سروان پاسدار سید مصطفی میرغفاری به درجه رفیع شهادت نایل آمدند.

همچنین و بر اساس بیانیه نخست این سپاه شهادت سردار سرتیپ پاسدار «مجتبی کرمی» «جانشین فرماندهی سپاه استان البرز، سردار «اکبر عنایتی» معاون اجتماعی سپاه استان البرز، حجت‌الاسلام والمسلمین «علی ترکاشوند»



روابط عمومی سپاه امام حسن مجتبی (ع) استان البرز در بیانیه های جداگانه ای اسامی پاسداران و بسیجیان غیور و شهید این استان را اعلام کرد. در پی حمله ددمنشانه و ناجوانمردانه رژیم صهیونیستی در صبح روز دوشنبه، دوم تیرماه، به مقر ستاد سپاه امام حسن مجتبی (ع) استان البرز، جمعی از پاسداران سرافراز انقلاب اسلامی به فیض عظیم شهدا نائل آمدند.

روابط عمومی سپاه امام حسن مجتبی (ع) روز

غیرت و صلابت مدافعان سلامت البرز



نوشته ای در دستان مدافعان سلامت البرز است که بانوان پرستار با چهره های شاداب در عین خشم بر دشمن به دوربین ها نشان می دهند تا مروج روحیه زینبی در دهکده ظلم زده جهانی باشند.

اما ثبت صحنه های جدید گویای تکرار فداکاری های همان دوران است و این نشان می دهد ملت ایران آنجا که پای شهامت و شجاعت در میان باشد و با تمام توان در مقابل دشمنان می ایستند و قد علم می کنند.

در این گزارش کوتاه، تصاویری از مدافعان سلامت البرز را می بینیم که هر یک به تنهایی دنیایی از واژه هایی مانند غیرت و صلابت پشت آن نهفته شده و برخلاف صهیونیست های سردرگم و بزدل، نشاط و اقتدار را به رخ جهان می کشد.

«تا پای جان برای ایران» این محتوای دست

مدافعان سلامت استان البرز در این روزها که میهن اسلامی درگیر تجاوز ددمنشانه رژیم صهیونیستی قرار داشت با ایثار و روحیه ای بالا و وصف نشدنی بار دیگر غیرت و صلابت ایرانیان را به رخ جهان کشیدند.

تصاویر ثبت شده از لحظه های خدمات پرستاران و پزشکان از شهامت و ایستادگی شیرزنان و دلاورمردانی حکایت دارد که تمام قد برای ایران ایستاده اند و تجلی تمام عیار فداکاری و ایثار شده اند.

با اینکه سالها از پایان جنگ تحمیلی هشت ساله رژیم بعثی صدام علیه کشورمان می گذرد

تأملاتی بر کنجکاوی برانگیزی‌های فصل «تابستان» در فیلم‌های «اریک رومر»؛

این ظالمانه‌ها...

جان فاول - ترجمۀ سودابه نیکدان



از کاراکترهای متداول رومر است که مدهوش‌ها لذایذ تابستان می‌شود. «زانوی کلر» داستانی دارد که در فیلم‌های تابستانی این‌کارگردان بارها تکرار شده است؛ حسادت و در نهایت خیانتی که مسن‌ترها نسبت به دوران جوانی در تابستان احساس می‌کنند، فصلی که بازگشت‌ناپذیری جوانی در آن موج می‌زند. ژروم چیزی شبیه به یک منظرۀ پوچ در این فیلم است، زیرا او مدام با مجموعه‌ای از لباس‌های تابستانی زیبا اما بغنوعی بیش از حد شیک و آراسته رژه می‌رود. بنظر می‌رسد او با کلاه لبه‌پهنش یک نجیب‌زادۀ روستایی تأثیرگذار باشد (از نظر بصری این ادعای اهلی‌بودن او تقویت، و به ایده‌های تک‌همسری که تا حدودی با کشش او نسبت به دو دختر نوجوان در تضاد است، تسلیم می‌شود). ظرافت ژروم بوضوح لباس تابستانی ساده و بی‌تفاوتی کلر جوان و دوستانش در تضاد است و این تضاد به‌خوبی نشان‌دهندۀ خودآگاهی او، مشغولیت او به نوجوانان و نگرانی از تأثیری است که بر آن‌ها می‌گذارد، و همچنین، بی‌تفاوتی اساسی جوانان نسبت به او را می‌رساند.

زانوی کلر فیلم بسیار بی‌رحمی است (مانند اکثر فیلم‌های رومر) که از لحظات کوچک تحقیر لذت می‌برد، زیرا ژروم بیهوده تلاش می‌کند تا تأثیری بر نوجوانان بی‌تفاوت بگذارد (در اینجا، منظور کلر و ژاک است و نه لورا). البته این‌نوع اتفاقات در فیلم‌های رومر به‌وفور دیده می‌شود. او منبعی غنی از کنایه را در شخصیت‌های خودخواه و بیش از حد بزرگ‌نما پیدا می‌کند که نقشه‌ها و فانتزی‌های باشکوهی پیرامون فردی می‌بافند که تا پایان تلخ فیلم به‌شکل سنجیده‌ای نسبت به آن‌ها بی‌تفاوت است. (مانند ساین و ادموند در «ازدواج خوب»، ماریون و هنری در فیلم «پائولین در ساحل» و بلانچ و الکساندر در فیلم «دوست دوست من» که همگی چنین رابطه‌ای را نشان می‌دهند.

زانوی کلر با ژروم، و با هدف مسئولیت بزرگسالان در قبال جوانان به پایان می‌رسد، و ظالمانه تلاش می‌کند تا رابطهٔ بین کلر و ژاک را (رابطه‌ای که ما به‌عنوان بیننده، تصاویر کم اما سالم از آن دیده‌ایم) با هشداری که کلر دربارهٔ خیانت احتمالی ژاک از بین ببرد. مانند صحنه‌ای که ژروم با قایق موتوری دور می‌شود و با غرور تمام بخاطر لطفی که به کلر کرده و در نهایت بر او تأثیر گذاشته است، می‌خندد، زیرا درواقع، این دو جوان عاشق لحظاتی پس از رفتن او یا یکدیگر آشتی خواهند کرد. ابهام و دوگانگی قرار عاشقانهٔ ژاک با دختر دیگر برای کلر به اندازه‌ای که اگر با ژروم پیش می‌آمد اهمیت نداشت. این‌صحنه‌ها به‌خوبی نشان‌دهندۀ بی‌تفاوتی باقی‌ماندن «جوان» نسبت به «میانسال» است.

رومر همان ایده‌ها و مضامین را با سیزدهسال فاصله در فیلم «پائولین در ساحل» اجرا می‌کند. او در این فیلم مجدداً خودآگاهی بزرگسالان در تابستان را در قیاس با بی‌خیالی و رهایی نوجوانان قرار می‌دهد. (لازم به ذکر است که رومر جوانی را ایده‌آل به‌تصویر نمی‌کشد. دوربین او رفتار شلختهٔ پائولین را، به‌مثابهٔ خونسردی نشان می‌دهد).

اوایل فیلم، پائولین و ماریون (خالۀ زیبای پائولین که برای ایجاد هماهنگی و پرورش احساسات او برنامه‌هایی در سر دارد) از آب‌های نرمادی بیرون می‌آیند و اندام و سبک لباسشان قابل مشاهده است، و هر دو بطور مداوم در طول مدت فیلم با هم مقایسه می‌شوند. بدن ماریون کاملاً زاویه‌دار بوده و مانند یک مدل به‌خوبی رسیدگی شده است. حرکات او بسیار زنانه و خودآگاه است. اما پائولین اندامی تنومندتر و حرکات ناهنجارتری نسبت به یک نوجوان معمولی دارد. رومر واقعیت و خیال را در کنار هم قرار داده است. پائولین

است که مردان میانسال نمی‌توانند تحمل کنند که ممکن است یک دختر نوجوان زیبا بیشتر از آن‌ها به جوانانی لاغر و نجسب علاقه‌مند باشد. هر سه بزرگسال در فیلم تلاش‌های آشکار یا پنهانی برای خراب‌کردن پائولین یا رابطهٔ او با سیلویین انجام می‌دهند. آنری (معشوق ماریون) پائولین را پس می‌زند و دوست‌پسرش سیلویین را خیانتکار معرفی می‌کند. ماریون که از علاقهٔ پائولین به سیلویین نابالغ منجر شده است، سعی می‌کند او را با پی‌ری آشنا کند، مردی که بخاطر بیان شیخیش از دید پائولین بسیار نفرت‌انگیز بنظر می‌رسد و لباس‌های ساحلی آبی روشن، او را برای ماریون به همتای مناسب‌تری تبدیل می‌کند، نه برای پائولین که هیچ ظرافتی ندارد.

رومر در هر دو فیلم «زانوی کلر» و «پائولین در ساحل» بر غیرطبیعی‌بودن تابستان پس از افول جوانی تأکید می‌کند. او سهولتی که نوجوانانی مانند کلر و پائولین با آن به تعطیلات خود نزدیک می‌شوند را با سردرگمی جنسی و پوچی که تابستان در همراهان بزرگ‌ترشان وجود می‌آورد مقایسه می‌کند. رومر معتقد است که رؤیای رهایی خود در دامان طبیعت (که در تابستان بشدت احساس می‌شود) رؤیای جوانی است و برای نسل بزرگ‌تر بسیار دشوار است، چرا که با بالا رفتن سن به‌مانند اندازه خودآگاهی، خودشیفتگی و خودفریبی آن‌ها هم افزایش می‌یابد. بلین

فیلم «پرتو سبز» ممکن است بهترین‌نمونه در بین فیلم‌های تابستانی رومر باشد. رومر این فیلم را نوعی بازگشت به دوران آماتوری خود می‌داند. او نسبت به مؤفقت «پائولین در ساحل» و «ماه کامل در پاریس» ناراضی بود و احساس می‌کرد باید به زیبایی‌شناسی خامی که در ابتدای موج نو وجود داشت بازگردد. نتیجۀ این بازگشت به سبکی بدوی یا آماتوری، فیلمی است که ترسی ندارد از خط روایی خود دور شود و برای مدت طولانی و به‌شکل مستند در میان مناظر و صداهای طبیعی تابستان باقی‌بماند.

رومر برای ساخت فیلم «پرتو سبز» بدون فیلم‌نامه یا برنامهٔ زمانی و تنها با سزن در بین عوالمش کار را آغاز کرد. آخرین‌پاری که او چنین آزادانه فیلمی را ساخت، برای فیلم تابستانی دیگری به‌نام «کلکسیونر» بود که باعث شد این‌فکر به ذهن‌خطور کند که اوقات فراغت و فضای باز تابستان الهام‌بخش رومر برای سبک فیلم‌برداری آزادتر است. آلن برگالا به شباهت بین تعطیلات بی‌هدف بلین و فیلم‌برداری رومر از تعطیلاتی که به‌مانند اندازه بی‌هدف و در معرض تغییرات خودبه‌خودی در برنامه بود اشاره کرد و گفت: «زیباست، ولی این‌منظره برای من خفقان‌آور است. همهٔ این زیبایی(ها) در درازمدت ملال‌آور می‌شود». هیچ‌شخصیتی در فیلم‌های رومر وجود ندارد که از نظر رنج

از ماریون جوان‌تر، اما پندش مسن‌تر، و ظاهر فیزیکی‌اش به‌موازات بلوغ عاطفی ماریون است. حرکات پائولین طبیعی‌تر است و سنگین قدم برمی‌دارد، درحالی‌که حرکات ماریون به سبکی یک پر بنظر می‌رسد. بدن آن‌ها با شخصیت‌هایشان تطابق دارد. ماریون یک تابستان افسانه‌ای برای خود می‌سازد، درحالی‌که پائولین کل آن را با تعصب و از منظری کاملاً زمینی خواهد دید.

این‌مقایسه‌ها در لباس آن‌ها نیز انجام می‌شود. ماریون مانند ژروم در «زانوی کلر» با تسلط و خودآگاهی بالا لباس می‌پوشد. لباس ماریون تفره‌ای، چشمگیر و گران است. پائولین یک دوتکهٔ نخی معمولی به تن دارد که از پشت بسته می‌شود. ماریون با مجموعه‌ای از لباس‌ها که گویی از صفحات مجلهٔ ووگ بیرون آمده‌اند، در تمام طول فیلم «پائولین در ساحل» می‌درخشد. بنظر می‌رسد که رومر از شکل و شمایل مدل‌های کلاسیک برای این‌شخصیت تقلید می‌کند. جالب است که رومر، آریل دمبویل را برای بازی در نقش ماریون انتخاب کرد، که شاید تجاری‌ترین و از نظر تجاری زیباترین بازیگری باشد که در فیلم «کمدی‌ها و ضرب‌المثل‌ها» رومر ایفای نقش کرده بود و مسئولیت داشت تا با بی‌رحمانه‌ترین یا دست‌کم، کودکانه‌ترین توهمات شخصیتی رفتار کند. (حتی ساین، در فیلم «ازدواج خوب» با نگرش بی‌معنی‌اش نسبت به ازدواج، بالغ‌تر بنظر می‌رسد). برخلاف ماریون، پائولین شلوار جین گشاد و یک پیراهن نخی با راه‌راه آبی و سفید می‌پوشد. لباس این دو زن، نشان‌دهندۀ نگرش آن‌ها نسبت به تعطیلات تابستانی است. ماریون در تلاش است تا خود را متقاعد کند که درگیر یک رابطهٔ عاشقانه و شاعرانه است. پائولین فقط می‌خواهد با سیلویین، پسری که در ساحل با او آشنا شده، خوش بگذراند.

رومر در برقراری ارتباط بین شخصیت‌هایش از طریق بدن بازیگران، توانایی فوق‌العاده‌ای دارد. بازیگران او همیشه تا حد زیادی نمایانگر شخصیت‌هایی هستند که او قصد دارد به‌تصویرشان بکشد. این تبحر و نکته‌سنجی در فیلم‌های تابستانی او بیشتر به چشم می‌خورد، جایی که بدن‌ها بی‌پرده‌تر مشاهده، و لباس‌ها گویاتر و الهام‌انگیزتر دیده می‌شوند، و عموماً زمینهٔ بیشتری در مورد اندام و نحوهٔ آراستن آن وجود دارد.

در فیلم «پائولین در ساحل» مانند «زانوی کلر» بزرگسالان که از به‌خمر رسیدن خیالات تابستانی خود ناامید شده‌اند، ظالمانه به‌سمت نوجوانان برمی‌گردند. پی‌یر در مورد دوست‌پسر پائولین دقیقاً همان‌چیزی را می‌گوید که ژروم در مورد دوست‌پسر کلر. یک احساس متداول که رومر آن را مطرح می‌کند این

تعداد قابل‌توجهی از فیلم‌های اریک رومر (از جمله کلکسیونر، زانوی کلر، پائولین در ساحل، پرتو سبز، دوست دوست من) در فصل تابستان، یا دقیق‌تر، در تعطیلات تابستان فیلم‌برداری شده‌اند. در این‌مقاله، سعی شده است تا به این موضوع پرداخته شود که چه‌چیزی در تابستان و یا تعطیلات تابستانی کنجکاوی رومر را برانگیخته است و این‌کارگردان چگونه تابستان را در این فیلم‌ها به‌تصویر می‌کشد.

یکی از دلایل انتخاب «تابستان» از سوی رومر را برای ساخت فیلم‌هایش، یحتمل اوقات فراغت در این فصل باشد. این‌کارگردان بارها بیان کرده است که به تأمل و صبر در فیلم‌هایش بیشتر از نقاط اوج علاقه دارد. این کرختی و بی‌حالی تابستان او را به خود جذب می‌کند. هم‌چیز در تابستان به گندی پیش می‌برد که این موضوع به‌خوبی با روایت آرام و روش قصه‌پردازی‌اش همخوانی دارد. رومر به‌خوبی در به‌تصویر کشیدن آختی و سستی تابستان تبحر دارد. فیلم‌های او مملو از مکالمات طولانی پس‌زمینه‌ای از گل‌های ادریسی رقصان در باد، یا در میانهٔ چیدن گیلاس و تمشک است که صدای بهم‌خوردن برگ‌ها به‌خوبی در آن‌ها ضبط شده. (بعضی از فیلم‌هایش با صحنه‌هایی از روزهای پایانی تابستان که هم‌چیز در رسیدن‌ترین و سست‌ترین حالت خود است به پایان می‌رسد) علاوه‌بر این‌ها، در فیلم‌های تابستانی رومر برداشت‌هایی مملو از کودکان خردسال برهنه‌ای که با آرامش در شن و آفتاب داغ تابستان بازی می‌کنند به چشم می‌خورد. دوربین رومر مشتاقانه در مرکز ساحل و تفریگاه‌ها بی‌حرکت می‌ماند و این‌گونه بنظر می‌رسد که او علاقهٔ خاصی به صحنه‌های عریض و گسترده، زمین‌های پوشیده از ماسه و دیوارهای رنگ و رو‌رفتهٔ خانه‌های تابستانی دارد.

البته این‌ها تعریف دقیقی از تابستان ایده‌آل رومر ارائه نمی‌کنند. به‌مانند اندازه که او در به‌تصویر کشیدن زیبایی‌های تابستان وسواس به خرج می‌دهد، در نشان‌دادن ابتذال و پیش‌پاافتادگی آن هم خیره است. او حقیقتی ترسناک در کرختی تابستان یافته است: میلی ویرانگر به رکود و روزمرگی. تابستان برای رومر فصل مناسبی است تا شخصیت‌هایش را با اوقات فراوان و افکاری نامحدود به تصویر بکشد. (۱)

صحنه‌های لا‌ثورا، دختری جوان با بازی بیاتریس رومند در فیلم «زانوی کلر» دربارهٔ زیبایی کوه‌های اطراف خانهٔ مادرش در آنسی می‌تواند بیانگر نگرش رومر نسبت به تابستان باشد. تابستان برای شخصیت‌های فیلم رومر به‌شکل نفسگیری زیباست. این فضا و موقعیت استاندارد برای فراخی بال و آزادی وقت است که به آن‌ها بی‌قیدی آگاهانه‌ای می‌بخشد. شخصیت‌های فیلم رومر با غرور و پیش‌فرضی همیشگی تعطیلات خود را آغاز می‌کنند، با اعتماد به اینکه قرار است رهایی و آرامش روحی که در طول یک‌سال از آن محروم بودند نصیبشان شود. اما چیزی که بدست می‌آورند نهایی، کسالت، اضطراب و کاهش احساس خودآگاهی است. تابستان (و بویژه تعطیلات تابستان) قهرمانان فیلم را با صراحتی بی‌رحمانه، بخصوص در روابط جنسی مواجه می‌کند که در نهایت منجر به آگاهی بیشتر نسبت به جسمشان می‌شود و آن‌ها را مستعد شک و تردید به خیالات بیهوده و زمانی نامحدود و برنامه‌هایی می‌کند که در نهایت به تشدید تمایلاتی ختم می‌شود که روزمرگی زندگی را به‌سوی برتری خوفناک خیال بر واقعیت سوق می‌دهد. (۲)

- ژروم و ماریون

شخصیت ژان کلود بریالی با نام ژروم در فیلم «زانوی کلر» یکی



نقطه کانونی دانست و گفت: حفظ هویت تاریخی و هویت ملی و شرافت جمعی یک ضرورت ملی است. از این رو، عنصر مرکزی ایران به مثابه نقطه وحدت و وفاق مورد توجه نظام حکمرانی و آحاد مردم باشد. ایران دایره‌های وحدتبخش است که همه ما را در خود جای داده و در بحران‌ها، این پیوند ملی بیش از پیش آشکار می‌شود. ایران امروز بیش از هر زمان دیگری به تمرین همدلی و وفاق نیاز دارد. وی درباره تحولات اخیر منطقه‌ای و روایت‌های رسانه‌ای مخدوش درباره ایران، گفت: تحلیل استراتژیک دشمن، به‌ویژه رژیم صهیونیستی، نسبت به ایران، نادرست و غیرواقع‌بینانه بود. تصور آنان این بود که با به شهادت رساندن فرماندهان نظامی و بهره‌گیری از دروغ‌های بزرگ در اب‌رسانه‌هایشان، می‌توانند اراده مردم ایران را در هم شکنند. اما تجربه چهار دهه گذشته نشان داده است که ملت ایران از هر بحران، سرافرازانه عبور کرده‌اند و این بار نیز چنین خواهد بود.

چهارشنبه ۴ تیر ۱۴۰۴ شمارگان ۱۸۴۰

دنیایکسوادار

دست‌به‌نقد

فرهنگی

طبیعت خود را بصورت فلاش‌های متوالی پخش می‌کند، مجموعه‌ای از تصاویر جدا از هم که عمق ادراک و محدودیت تصویری را که معمولاً هنگام دیدن یک منظره تجربه می‌کنیم، از بین می‌برد. منظره در قالب یک‌سری قطعات گاه نامتقارن به ما ارائه می‌شود، مانند صحنه چمنزار در «پرتو سبز» یا صحنه‌ای در «زنانی کلر» که در آن ژروم و لائورا در تپه‌ها پیاده‌روی می‌کنند، یا جاهای دیگر که با دقت حساب‌شده‌ای پیش می‌رود مانند صحنه‌ای در «دوست دوست من» که در آن لئا زمین‌های خارج از آپارتمان بلانچ را بررسی می‌کند. رومر دیدگاه لئا از زمین را به ستصویر مجزا اما همسان تقسیم می‌کند و آن‌ها را به شیوه‌ای مسطح و از دوردست نشان می‌دهد. تأثیر این تصاویر از بین بردن تعادل زیبایی زمینی است که یک نقاش منظره می‌توانست آن را به‌تصویر بکشد و براحتی در یک قاب معمولی کنار هم قرار دهد. زمین‌هایی که در این سه‌بخش مسطح دیده می‌شوند، آنقدر زیبا بنظر نمی‌رسند، بلکه عجیب و غریب، بیپه‌وده و بطور نگران‌کننده‌ای خالی و بیش از حد بی‌نقص بنظر می‌رسند.

در تمام این‌صحنه‌ها، رومر برای کادربندی زیبای پانوراما زحمتی نمی‌کشد، بلکه آن را در یک‌سری تصاویر سریع، مسطح و جدا از هم ارائه می‌دهد. تأثیر نهمایی از این دست، این است که ارتباط بین شخصیت‌ها و محیط آن‌ها را قطع می‌کند. شخصیت‌ها آنقدر مجذوب یا محصور طبیعت نیستند که با آن مواجه و به چالش کشیده شوند. بنظر می‌رسد که مناظر بدون کوچک‌ترین کلامی، بصورت کنایه‌آمیز، و با تمسخر به آن‌ها خیره می‌شوند و آن‌ها را به گناهان خود متهم می‌کنند: ژروم بخاطر دورویی و دلفین بدلیل خودخواهی و ترسش از مردم. مانند بسیاری از تصاویر گذار، تصاویر رومر از طبیعت مسطح‌اند و هیچ فضایی برای نفس‌کشیدن یا فرار شخصیت‌ها و یا رهایی معنوی ارائه نمی‌دهند. مناظر رومر شخصیت‌ها و بینندگان را بیرون نگه می‌دارد، و اسرار آن‌ها را دست نخورده باقی می‌گذارد.

درباره تصاویری با درختان رقصان در باد و زنان گریان؛ در هر دو صحنه بنظر می‌رسد طبیعت به شخصیت‌ها خیره شده است، نه آنقدر که به آن‌ها تسلی ببخشد، نه حتی چنان که با دریغ‌کردن زیبایی خود آن‌ها را به تمسخر بگیرد. تأکید موسیقی متن رومر بیشتر از وضوح آن عمق باد را اندازه می‌گیرد و صدای برگ‌ها در باد یک خش‌خش روح‌بخش نیست، بلکه یک صدای عمیق توخالی است که در نوع خود زیبا اما باز هم نامأنوس است. هر دو زن تحت تأثیر این‌درختان که بنظر می‌رسد در عین آرامش و زیبایی دست‌نیافتنی، بر تنهایی آن‌ها تأکید می‌کند و آگاهی آن‌ها را از عدم آرامش درونی خود افزایش می‌دهد، اشک می‌ریزند.

پس روایت رومر از طبیعت پیچیده است به‌گونه‌ای که بطور مؤثر آرامش و زیبایی طبیعت را به‌تصویر می‌کشد، اما اصرار دارد که این آرامش و زیبایی را هم از شخصیت‌ها و هم از بینندگانش دریغ کند. او از دیدنی‌بودن و از دادن احساسات ماورایی به شخصیت‌ها یا بینندگانش وحشت دارد. طعنه‌آمیز است که کارگردانی با چنین حساسیتی نسبت به مناظر و صداها از برقراری ارتباط انسان با طبیعت تا این حد بدبین باشد، و به طبیعت‌پرستان و تمایل به گمشدنشان در این مکان‌ها بشدت با سوظن برخورد کند. انسان در فیلم‌های رومر سقوط کرده و دچار گسست جبران‌ناپذیری با طبیعت شده است. این خلا در هیچ‌کجا آشکارتر از تابستان نیست، فصلی که قهرمانان مغرور رومر با رؤیای زیبایی‌های سرسبز و آزادی‌های مجلل مواجه می‌شوند تا تنها با گرما، کسالت، و مهم‌تر از همه، روزمرگی و خودمشغولی‌های شدید تنبیه شوند که پاداش مشتبه کسانی خواهد بود که به هر اندازه که بدنبال آزادی باشند نصیبشان خواهد شد.

زیباست، از ما بهتران توانسته‌اند با طبیعت ارتباط برقرار کنند، اما ما خسته شده‌ایم، و نمی‌توانیم کاری با این‌همه آرامش و زیبایی انجام دهیم. ذهن‌هامان هنوز بر روی جزئیات زشت زندگی کوچک شهری متمرکز است. چیزی از این تجربه در دلفین آن هم زمانی که درحال قدم‌زدن است وجود دارد. او بدنبال چیزی در طبیعت می‌گردد که نمی‌تواند پیدایش کند. او به منظره فوق‌العاده‌ای از کوه می‌رسد، اما نمی‌داند با آن چه کند. او فقط بی‌حال خیره می‌شود. بنظر می‌رسد که در فیلم‌های رومر رابطه مفید با طبیعت در کسانی مانند دلفین که هنوز نتوانسته‌اند نزاع خود با بشریت را برطرف کنند، انکار می‌شود. وقتی دلفین را در این پیاده‌روی‌های طولانی دنبال می‌کنیم، این‌تصور را داریم که به دور از یافتن خود، با هر قدمی که برمی‌دارد از هر موقعیتی برای رسیدن به آرامش و ثبات دورتر می‌شود، که هرچه بیشتر در دل طبیعت نفوذ می‌کند، آن را خفتر و غیرقابل تحمل‌تر می‌بیند در نتیجه، شاهد اشک‌های او خواهیم بود که اغلب در حین یا بلافاصله بعد از رافرتن جاری می‌شوند. مناظر مختلف تابستانی که او با آن‌ها مواجه می‌شود تسلی‌بخش نیستند، فقط احساس تنهایی و عاری‌بودن زندگی‌اش از هر معنایی را تشدید می‌کند. آن‌مناظر او را طرد می‌کنند، گویی که تنها با کسانی گشاده‌دست خواهند بود که با هم‌وعنوانشان در صلح‌اند و از آن‌ها فرار نمی‌کنند.

-درخت‌ها و اشک‌ها

احتمالاً با من مؤافق باشید که برجسته‌ترین حس فیلم «پرتو سبز» در قسمت پیاده‌روی دلفین در بریتانی است. رومر این‌صحنه را در یک روز ابری و بادخیز فیلم‌برداری کرده است. دلفین، با پوشیدن لباس کوهنوردی و ژاکت نخ‌ی گشاد، گرما و ناراحتی را که حین رافرتن در لاپلانز احساس می‌کرد، نشان نمی‌دهد، اما او به‌همان‌اندازه بی‌قراری و ناراضی است: با حواس‌پرتی راه می‌رود، یک‌مسیر را انتخاب می‌کند، سپس برمی‌گردد و مسیر دیگری را دنبال می‌کند. سرانجام او به چمنزاری می‌رسد که اطرافش را درختان احاطه کرده‌اند، جایی که رومر نهمایی از درختانی که در باد می‌رقصند را با نهمایی از دلفین که درحال اشک‌ریختن است، به یکدیگر مرتبط می‌کند. این‌صحنه بطرز چشم‌گیری شبیه به صحنه‌ای از «دوست دوست من» است که در آن بلانچ در اوج ناامیدی از الکساندر بی‌تفاوت، در منطقه پارک شهری مدرن بغام سرگی‌پوشتا قدم می‌زند. پس از یک پیاده‌روی طولانی، زیر چند درخت استراحت می‌کند، توجهش را به باد می‌دهد که در میان درختان می‌وزد و مانند دلفین، بی‌حساب، شروع به گریه می‌کند. چه‌چیزی در باد و درختان وجود دارد که این زنان جوان را تا این حد می‌آزارد؟

صدای وزش باد در میان درختان صدایی است که اغلب احساس رهایی و جاودانگی را منتقل می‌کند (مثلاً در فیلم‌های تارکوفسکی، جایی که نهمای مکرر وزش باد میان درختان بسیار طولانی و آرام و متفکرانه است). اما درختان رومر آزاردهنده‌اند. برای شروع، شات مرکزی در هر دو این صحنه‌ها از یک درخت بزرگ است که از پایین گرفته‌شده. درخت از این زاویه کیفیتی سلطه‌گر به خود می‌گیرد. همچنین در «پرتو سبز»، رومر چندین‌تصویر مختلف از باد را که در میان بوته‌ها و درختان می‌وزد، به روشی نامتقارن کنار هم قرار می‌دهد که حس امنیت و آرامش را از بین می‌برد. او از چند زاویه متنوع از درختان و بوته‌ها تصویربرداری می‌کند. در ویرایش آن‌نهمای، زوایا را با یکدیگر تطبیق، یا حتی رابطه تصاویر را با یکدیگر نشان نمی‌دهد، مثلاً در جایی که یک بوته به دیگری متصل است. به‌همین‌دلیل، او درختان را به دلفین وصل نمی‌کند. ما ارتباط فیزیکی او با این تصاویر را نمی‌بینیم. رومر اغلب از این تکنیک استفاده می‌کند. او صحنه‌های

زمین‌های مختلف می‌پردازد. هر بار این گشت‌وگذار در طبیعت (که برخی از طولانی‌ترین و ساکت‌ترین صحنه‌های فیلم را می‌سازند) با ژرفا پیدا‌کردن ناامیدی دلفین بجای تسکین آن به پایان می‌رسد. به‌عنوان مثال، در لاپلانز او باید مدتی صبر کند تا بتواند کلبه تابستانی که قرار است در آن بماند آماده شود، که تصمیم می‌گیرد زمان را با پیاده‌روی در یک مسیر کوهستانی شیب‌دار سپری کند. در طول پیاده‌روی مشخص می‌شود که دلفین در اینجا خوشحال‌تر از دیگر مکان‌های تعطیلات نخواهد بود. رومر بخش کوهنوردی دلفین را به روشی اغراق‌آمیز نورپردازی می‌کند که باعث می‌شود گرمای روز و زحمت پیاده‌روی را بیشتر احساس کنیم. عوامل پشت صحنه همراه رومر اغلب با بی‌تفاوتی او نسبت به «کیفیت» نورپردازی و تمایل این‌کارگردان برای تحمل اشکالاتی مانند نورپردازی بیش از حد سردرگم شده‌اند، اما این روحیه پذیرای‌بودن اتفاقات است که به رومر اجازه می‌دهد تا از موممایی کردن این‌منظره اجتناب، و درواقع، گرما و نور و احساس «روز» را منتقل کند. همانطور که فیلم‌برداری رومر از طبیعت تداعی‌گر است، دوربین او همیشه از بزرگ‌کردن طبیعت خودداری می‌کند، و در اینجا لکه‌های کوچک گل روی برف یخ‌زده‌ای که دلفین به آن می‌رسد، خط ممتد شن و ماسه و گل در طول مسیر تا تپه را نشان می‌دهد. او حاضر نیست تصاویر خود از طبیعت را به‌گونه‌ای نشان دهد که تعادل یا فضای باز یکنواخت را حذف کند. درواقع، تصاویر رومر از طبیعت فاقد یک آغاز و پایان معمولی است. او طبیعت را به یک نمای زیبا محدود نمی‌کند. وی در یکی از گفت‌وگوهایش با کایه دو سینما گفته بود: «اگر پن خیلی دقیق و مکانیکی اجرا شود، تصویر یکنواخت شده و باعث می‌شود که جزئیات بسیاری مجال رایافتن به چشم و جان مخاطب پیدا نکنند؛ و نتیجتاً، این‌گونه است که مقدمات جمود در فیلم‌ها) فراهم می‌شود».

تصاویر پانورامای رومر، توصیف طبیعتی نامتعادل و ناهم‌هنگ است. نهمای آنقدر شخصیت‌های او را در بر نمی‌گیرد یا آن‌ها را در زمینه قرار نمی‌دهد، بلکه بطور بی‌پرده و صریح، قبل از آن‌ها گسترده می‌شود. شخصیت‌های رومر بجای اینکه خود را در طبیعت بیابند، میل به گم‌شدن دارند. برای مثال، در قسمت آغازین بخش چهارم ماجراجویی رینه و میرابل در «ساعت آبی» بنظر می‌رسد روستایی که خانه رینه را احاطه کرده می‌ستاید، اما دوربین‌ها، مانند دلفین کمی آشفته است و با شک و تردید قدم برمی‌دارد، اگرچه او مطمئن نیست به کجا برود، و با این زیبایی باطراوت چه کند. رومر با امتناع از فیلم‌برداری در ترکیب‌بندی‌های متعادلی که ما از تصویربرداری در فضای باز انتظار داریم، بر سردرگمی شخصیتش تأکید می‌کند. مؤلف هرگز مانند یک نقاشی امپرسیونیستی او را زیر پناه درختی شفیق قرار نمی‌دهد. در عوض، او در زمین‌های وسیعی از چمن‌های بلند که بطور هماهنگ در چارچوب قاب دوربین محصور نشده‌اند، آسیب‌پذیر به‌تصویر کشیده می‌شود. ترکیبات رومر از طبیعت اغلب کوبیستی است تا امپرسیونیستی.

کیفیت ضد منظره پیاده‌روی دلفین به بالای کوه بیشتر با خستگی قابل مشاهده‌ای (و این تصور وجود دارد که رومر ماری ریوی را وادار به قدم‌زدن در کوه کرده است) و لباسش، بویژه کلاه که بطور آزاردهنده‌ای از سرش می‌افزود، و ژاکتی که به دور کمرش بسته شده که نیازی به آوردنش نبود و تنها سختی پیاده‌روی را بیشتر می‌کند تقویت می‌شود.

این‌صحنه، ما را به یاد زمان‌هایی می‌اندازد که با شور و شوق وارد طبیعت شده‌ایم، اطمینان داریم که از نظر روحی پاک خواهیم شد، اما تنها با کسالت، بی‌انگیزگی، گرم‌زدگی فراوان و نیش حشرات مواجه می‌شویم. گناهانی را که پیش از این مرتکب شدیم به ما یادآوری می‌شود، زیرا می‌دانیم که طبیعت

انباشته‌شده در تابستان با دلفین در «پرتو سبز» برابری کند، با وجود آنکه این‌رنج متفاوت از آدرین در «کلکسیونر»، ژروم در «زنانی کلر» یا ماریون در «پائولین در ساحل» است. تابستان در آن شخصیت‌ها نوعی سردرگمی جنسی و ریاکاری درباره عشق بوجود می‌آورد. برای دلفین، تابستان به‌معنای تنهایی است. دوست‌سپرسش چند روز قبل از تعطیلات برنامه‌ریزی‌شده‌اش او را رها کرده است و او وقت زیادی در اختیار دارد و کسی نیست که با او زمانی را سپری کند. این‌فیلم بسیار سرد و عینی تلاش‌های بیپه‌وده دلفین برای یافتن مکانی را توصیف می‌کند که بتواند به‌تنهایی تعطیلات راحتی را پشت سر بگذارد، اما می‌بینیم هرجا که خودش را پیدا می‌کند همان خودآگاهی و تنهایی و بیگانگی او را می‌خورد.

رومر از طریق دلفین به عکس‌العمل پیچیده‌ای از دید مخاطب می‌رسد. ما هم با او متأثر و آزرد می‌شویم. غم و اندوه او هم تکان‌دهنده و هم خنده‌دار است. هیچ قهرمان مرد یا زنی در فیلم‌های رومر به اندازه دلفین گریه نکرده است، و در سومین یا چهارمین مرتبه گریه او اشک‌هایش دیگر قابل پیش‌بینی است. ما غم دلفین را خیلی جدی نمی‌گیریم، زیرا می‌دانیم که او خود تا حد زیادی مسئول مشکلاتش است. دلفین تصویری است‌اندازه از آن‌نوع شخصیت‌هایی است که جورج الیوت بسیار به او علاقه داشت، بره مهریانی که در عین آرامش روحش، هیولایی خودخواه است.

بهترین‌صحنه برای درک دلفین به قسمتی مربوط می‌شود که او درحال صرف غذا با دوستانی است که با اکره به گذران تعطیلات با آن‌ها رضایت داده. وقتی که دوستان از مهمان خود که نسبت به حضور در بین آن‌ها بی‌علاقه است سؤال می‌کنند، مشخص می‌شود که دلفین در گیاهخواری و احترامش به طبیعت و عشق به تنهایی، خود را کمی برتر از دیگران می‌داند، تصویری از او که در صحنه‌های متعدد فیلم که در آن دلفین، بی‌حوصله و بی‌هدف، در امتداد کناره‌های جاده در طبیعت سرگردان است و آشکارا در آرزوی یافتن یک همنشین پرسه می‌زند بی‌معنی می‌شود. دلفین از مردم می‌ترسد و ناتوانی خود را در دوست‌یابی با تایید تنهایی و پرستش طبیعت توجیه می‌کند. در حقیقت، او به اندازه هرکس دیگری که با طبیعت خلوت می‌کند، آماده نیست و تعطیلات تابستانی او این را ثابت می‌کند.

لذت تماشای «پرتو سبز» لذت گناه‌آلود تماشای یک خودخواه فروتن است که ادعای استقلال خود را مطرح می‌کند، اما در خلا تعطیلاتش بطرز ناراحت‌کننده‌ای به خود می‌پیچد. باز هم، ما موقعیت تکراری فیلم‌های رومر را داریم: یک آدم خودخواه که نیرویی تسلیم‌ناپذیر را بکار می‌گیرد و به آرامی به میدان می‌آید. اما ایران آن نیرو یک فرد بی‌تفاوت مانند ادموند در «ازدواج خوب» یا کلر در «زنانی کلر» نیست، بلکه یک دوره زمانی، یعنی تعطیلات تابستانی است. تماشای دلفین که بارها و بارها تلاش می‌کند با موقعیت‌های دشوار روبه‌رو شود، خودش را در یک نقطه ایده‌آل تابستانی پایین بیاورد و بلافاصله در پیچیدگی زمان و افکار حاشیهای غوطه‌ور شود، سرگرم‌کننده است. از این‌نظر، او مانند آدرین یا ژروم یا ماریون است، آن شخصیت‌هایی که فکر می‌کنند از پس چالش تابستان برمی‌آیند، که آرزو دارند آرامش و راحتی آن را استشمام کنند، از لحاظ روحی پاک شوند، و تنها خودشان را بطور مشخص پیدا کنند. اما در تعطیلات خود راحت نیستند و طعمه یک خودمشغولی بیمارگونه می‌شوند.

-پیاده‌روی‌های دل‌بین

تأثیر متجزکننده تابستان در چندین‌صحنه که محور اصلی فیلم را نشان می‌دهند، آشکارتر است. در این‌صحنه‌ها، دلفین از میان مراتع آرام بریتانی، در مسیرهای شیب‌دار لاپلانز، در سراسر سواحل صخره‌ای بریتانیا، به قدم‌زدن‌های طولانی در

همه باید با افتخار آفرینی هایمان باعث سر بلندی ایران شویم

دختر تاریخ ساز دوومیدانی ایران گفت: تقدیر از من و اهدای پاداش روحیهام را دوچندان کرد.

ریحانه مبینی دارنده نخستین طلای زنان ایران در مسابقات قهرمانی آسیا گفت: حضور در نشست هیات اجرایی که در آن وزیر ورزش، رئیس و دبیرکل کمیته ملی المپیک و دیگر اعضای هیات اجرایی شرکت داشتند بسیار انگیزه بخش و دلگرم کننده بود چرا که صحبت های آن‌ها در حمایت از من روحیهام را بیشتر کرد.

او ادامه داد: قدردان مسئولان کمیته ملی المپیک بابت دعوت از من برای تقدیر و پاداش هستم چرا که روحیهام را دوچندان کرد. مبینی گفت: من مسابقات دانشجویان جهان، مسابقات قهرمانی جهان و کشورهای اسلامی را پیش رو دارم و از آنجایی که در حال حاضر جزو سی و دو نفر رنکینگ جهان هستم، امیدوارم با حضور در این رقابتها بتوانم رنکینگ خودم را حفظ کرده و به فینال این مسابقات راه پیدا کنم.

مبینی در مورد حملات اخیر رژیم اشغالگر قدس به ایران و نقش ورزشکاران در این شرایط گفت: ما ورزشکاران بعنوان نماد کشورمان در سطح بین الملل مطرح هستیم و می توانیم با به اهتزاز درآوردن پرچم کشورمان افتخار آفرینی کنیم؛ در این شرایط خاص که سربازان این مرز و بوم از جان خودشان گذشتند و از میهن اسلامی دفاع کردند و در این راه تعدادی از این عزیزان به شهادت رسیدند، من نیز به نوبه خود وظیفهام می دانم که برای حفظ خون شهیدان تلاش کنم و باعث افتخار کشورم شوم و از ورزشکاران و سایر مردم هم می خواهم به هر نوعی با افتخار آفرینی خودشان باعث سر بلندی کشور شوند.

رژیم صهیونیستی را از حضور در رقابتها تعلیق کنید

در پی شهادت یک بازیکن فوتسال، یک بازیکن فوتبال و یک داور در پی تجاوزگری رژیم صهیونیستی، وزیر ورزش و جوانان جمهوری اسلامی ایران از رئیس فیفا خواست با اقدامی قاطع که موید «ارزشهای اخلاقی» است، حضور رژیم اسرائیل در رقابتهای فوتبال را به حالت تعلیق درآورد.

در نامه احمد دنیامالی خطاب به جیانی اینفانتینو آمده است: «با کمال تأسف و نگرانی جدی، توجه شما را به جنایات جنگی آشکار اخیر رژیم صهیونیستی اسرائیل علیه جمهوری اسلامی ایران جلب می‌نمایم. این اقدامات تجاوزکارانه منجر به عواقب ویرانگری برای غیرنظامیان بیگناه شده است. در میان قربانیان این حملات نفرت‌انگیز یک بازیکن فوتبال به نام علی مردادی، یک بازیکن فوتسال به نام علیرضا خلیج و یک داور به نام محمد اسدی جان خود را از دست دادند. این یک ضربه سخت نعتنها به ملت ما بلکه به جامعه جهانی ورزش بوده و به مثابه یک یادآوری تلخ و غم‌انگیز از ظلم غیر قابل قبول و خشونت فراگیری است که همچنان جهان ما را آزار می‌دهد. با توجه به این حوادث عمیقاً نگران‌کننده با کمال احترام و فوراً از فدراسیون جهانی فوتبال می‌خواهیم اقداماتی قاطع و مناسب را اتخاذ کند. از شما تقاضا داریم رژیم غاصب اسرائیل را از تمامی مسابقات و رویدادهای بین‌المللی فوتبال تعلیق کنید. این اقدام ضروری صرفاً یک موضع سیاسی نیست، بلکه یک پایبندی اساسی به حقوق بشر، اصول اخلاقی و منشور المپیک است که ورزش فوتبال صراحتاً از آن حمایت می‌کند. چنین نمایش قاطعانه‌ای از همبستگی بر تعهد تزلزل‌ناپذیر جامعه جهانی فوتبال با قربانیان جنگ، از جمله ورزشکارانی که به طرز غم‌انگیزی در این بحران‌ها از بین رفته‌اند، تأکید می‌کند. این مطلب پیمای روشن و صریح خواهد بود که ارزشهای اخلاق ورزش، صلح و کرامت انسانی فراتر از همه ملاحظات دیگر است.»

استقلال خواهان تعلیق محرومیت ساپینتو شد

باشگاه استقلال در نامه‌ای رسمی به فدراسیون فوتبال، خواستار تعلیق مدت باقی‌مانده محرومیت ریکاردو ساپینتو، سرمربی پرتغالی خود شد. ریکاردو ساپینتو که پس از توافق با مدیران استقلال، بار دیگر با قراردادی یک‌ساله هدایت آبی‌پوشان پایتخت را برعهده گرفته، به‌دلیل رفتارهایش در جریان داری ۱۰۱ و پس از اخراج از سوی داور، با محرومیتی چهارماهه از همراهی تیمش روبه‌رو شده بود. حالا و با بازگشت رسمی ساپینتو به استقلال، این باشگاه روز گذشته با ارسال نامه‌ای به فدراسیون فوتبال، خواستار تعلیق ادامه محرومیت سرمربی پرتغالی خود شده تا او بتواند از ابتدای فصل جدید لیگ برتر روی نیمکت آبی‌ها بنشیند. در صورت موافقت با این درخواست، ساپینتو می‌تواند بدون مانع قانونی، فصل را همراه با تیمش آغاز کند.



دنیایک سوادار

چهارشنبه ۴ تیر ۱۴۰۴ شمارگان ۱۸۴۰

ورزشی

اروپا

رایان شرکی در منچستر سیتی؛

پپ حالا «پادشاه خلق موقعیت اروپا» را دارد

ترجمه امین یزدان پناه



اروپایی در میان بازیکنانی که حداقل ۱۶۰۰ دقیقه بازی کرده‌اند، در تمام رقابت‌ها بیشتر از او در هر ۹۰ دقیقه خلق موقعیت نکرده است؛ چه به‌طور کلی (۳.۷) و چه در جریان بازی (۲.۹). این نشان می‌دهد او تا چه اندازه در فصل ۲۰۲۳-۲۴ تأثیرگذار بوده است.

این خلایق منجر به ۱۱ پاس گل برای لیون در لیگ ۱ فرانسه شد - که در کنار گائتان پرن از اوسر، بهترین آمار فصل بود - و ۹ پاس گل دیگر در سایر رقابت‌ها، از جمله ۸ پاس گل در لیگ اروپا (۳ عدد بیشتر از هر بازیکن دیگر) شد. جالب آنکه کیفیت موقعیت‌هایی که شرکی خلق کرد نیز فوق‌العاده بوده است. میزان «پاس گل مورد انتظار» (XA) او در طول فصل به عدد ۱۸.۳ رسید؛ بالاتر از هر بازیکن دیگری در پنج لیگ معتبر اروپا. بر اساس میانگین هر ۹۰ دقیقه نیز، او با میانگین ۰.۵۳ XA پیش‌تاز تمام بازیکنان شاغل در پنج لیگ معتبر بود.

قدرت بالای شرکی در گره‌گشایی از بازی‌های بسته شرکی برای رسیدن به مناطق خطرناک زمین، صرفاً متکی به ارسال توپ از سوی هم‌تیمی‌هایش نیست. خود او هم می‌تواند توپ را در عمق دریافت کند و با دریبل مدافعان، تیم را به جلو ببرد. در فصل گذشته، شرکی میانگین ۱۱.۳ حمل توپ تهاجمی (حمل توپ حداقل پنج متری به سمت دروازه حریف) در هر ۹۰ دقیقه داشت داشته است. به جز مدافعان میانی، تنها شش بازیکن عملکرد بهتری داشتند که چهار نفر از آن‌ها بازیکن پاری سن ژرمن بودند. این حمل توپ‌های شرکی متمرکز تر هم بوده‌اند؛ او ۲۰ موقعیت گل پس از حمل توپ ایجاد کرد که چهارمین آمار برتر لیگ ۱ است و شش عدد بیش از هر بازیکن دیگری در لیون به شمار می‌رود.

جالب آنکه آمار خالص دریبل‌زنی او - چه از نظر تلاش برای دریبل (۴.۳) و چه دریبل موفق (۲.۱) در هر ۹۰ دقیقه - پایین‌ترین حد در دوران حرفه‌ای‌اش بود. البته این اعداد همچنان بسیار خوب‌اند و از هر بازیکن دیگری در لیون بهتر هستند. اما در فصل ۲۰۲۱-۲۰۲۰ او به میانگین‌هایی چون ۹.۸ اقدام به دریبل و ۶.۵ دریبل موفق نیز رسیده بود.

در نتیجه، رویارویی با مدافعان بخشی از مهارت طبیعی شرکی است - موضوعی که قطعاً برای پپ گواردیولا جذاب خواهد بود؛ به‌ویژه اگر به دنبال بازیکنی با مشخصات مشابه ساوینیو در سمت راست یا یرمی دوکو در سمت چپ باشد. شاید علاقه سیتی به شرکی، نشانه‌ای باشد از اینکه یکی از این بازیکنان به‌عنوان بال اصلی و بلندمدت سیتی در نظر گرفته نمی‌شود. یا شاید این مسئله نشانه‌ای از تکامل بازی شرکی باشد؛ دریبل‌های چشم‌پسته‌ی کمتر به بن‌بست‌ها و بازی هوشمندانه‌تر و تعامل بیشتر با هم‌تیمی‌ها در یک‌سوم پایانی زمین. شرکی در موفق‌ترین فصل دوران حرفه‌ای‌اش، همچنین بیش از همیشه پاس در نیمه زمین حریف ارسال کرد و کمتر از هر فصل دیگری در سه سال اخیر توپ را از دست داد. این موضوع هم احتمالاً اتفاقی نیست.

شاید برگ برنده شرکی این باشد که می‌تواند تمام این کارها □ پاس، حمل توپ تهاجمی و دریبل - را با هر دو پا انجام دهد. بدون شک، این راهی نسبتاً ابتدایی برای نشان دادن موضوع است، اما از بین

انگار به اثبات بیشتری نیاز داشتیم؛ ولی نمایش خیره‌کننده رایان شرکی در نخستین بازی‌اش برای تیم ملی بزرگسالان فرانسه، به‌خوبی نشان داد چرا باشگاه منچستر سیتی تا این حد مشتاق انتقال او به اتحاد بود. در اینجا داده‌هایی را بررسی می‌کنیم که پتانسیل شرکی در «تغییر جریان بازی» را اثبات می‌کند.

درحالی‌که اسپانیا با نتیجه ۱-۵ در نیمه‌نهایی لیگ ملت‌های اروپا برابر فرانسه پیش بود و کمتر از ۲۵ دقیقه به پایان بازی زمان باقی مانده بود، شاگردان دیدیه دشان در آستانه یک شکست یک‌طرفه و شرم‌آور قرار داشتند. اما ورود رایان شرکی، خرید جدید منچستر سیتی از روی نیمکت به زمین، جریان بازی را تغییر داد.

شرکی اندکی پس از دقیقه ۶۰ وارد زمین شد و در همان دقائق ابتدایی حضورش در نخستین بازی ملی خود برای فرانسه تأثیری آنی گذاشت. او با یک شوت والی برق‌آسا از گوشه‌ی محوطه جریمه که از کنار اوانای سیمون عبور کرد و وارد دروازه شد، زیباترین گل بازی را به ثمر رساند. سپس از سمت چپ به داخل زد و یک ارسال موج عالی فرستاد که راندل کولو موانی با ضربه سر آن را به گل چهارم فرانسه مقابل اسپانیا تبدیل کرد. این اتفاق پس از گل به‌خودی دنی ویویان رخ داد و نتیجه بازی را ۴-۵ کرد.

شرکی با این عملکرد، به سومین بازیکن قرن حاضر تبدیل شد که در نخستین بازی ملی خود هم گل می‌زند و هم پاس گل می‌دهد؛ پس از ماروین مارتن (مقابل اوکراین، ۲۰۱۱) و لویی‌س ساها (مقابل بلژیک، ۲۰۰۴). با وجود اینکه شرکی تنها ۲۷ دقیقه بازی کرد، ۳ موقعیت گل ایجاد کرد؛ بیش از هر بازیکن فرانسوی دیگری به‌جز مایکل اولیسه و عثمان دمبله (هر کدام ۴ موقعیت) که از ابتدا در ترکیب حضور داشتند. هرچند، این عملکرد برای تکمیل کامبک فرانسه کافی نبود، اما بدون تردید جریان بازی را تغییر کرد.

رایان شرکی؛ پادشاه خلق موقعیت اروپا

و این همان کاری‌ست که شرکی انجام می‌دهد: او تفاوت را در بازی ایجاد می‌کند. همین موضوع دلیل اصلی علاقه شدید منچستر سیتی برای جذب این استعداد خاص بود. نخستین بازی ملی شرکی، پاداشی برای فصل درخشانی بود که او سپری کرد. او بدون شک خلاق‌ترین بازیکن فوتبال فرانسه در فصل گذشته بود. در میان بازیکنان پنج لیگ برتر اروپا، تنها برونو فرناندز (۱۵۸ موقعیت) و رافینیا (۱۵۲ موقعیت گل بیشتری از شرکی (۱۲۵) در تمامی رقابت‌ها خلق کردند. اگر تنها به موقعیت‌هایی که در جریان بازی به وجود آمده‌اند نگاه کنیم، فقط فرناندز (۱۲۰)، رافینیا (۱۰۵) و محمد صلاح (۱۰۴) عملکرد بهتری از شرکی (۱۰۰) داشتند.

بالین‌حال، همه این بازیکنان در بیش از ۵۰ مسابقه به میدان رفتند؛ درحالی‌که شرکی تنها در ۴۴ بازی حضور داشت. اگر این آمارها را بر مبنای میانگین هر ۹۰ دقیقه ثبت کنیم، تأثیرگذاری شرکی حتی بیشتر نمایان می‌شود: هیچ بازیکنی در پنج لیگ معتبر

۴۴ شوتی که شرکی این فصل در لیگ ۱ فرانسه زده، دقیقاً نیمی را با پای چپ و نیمی را با پای راست زده است. توانایی اینکه با اعتماد به‌نفس به مرکز زمین برش بزند یا به فرار از بیرون ادامه دهد، کابوسی برای مدافعان حریف است.

کمبود مشارکت دفاعی؛ بزرگترین نقطه ضعف شرکی

سؤالاتی نیز درباره نگرش او بدون توپ مطرح شده که بدون تردید بخشی است که شرکی باید روی آن کار کند. لیون در فصل ۲۰۲۳-۲۴ تیمی بود که سبک پرس از بالا را اجرا می‌کرد، اما شرکی در بین هم‌تیمی‌هایش جایگاه چندان خوبی در این زمینه نداشت. مهاجمان دیگری مانند ژرژ میکائوتادزه (با میانگین ۳۲ پرس)، الکساندر لاکازت (۲۸.۹) و مالک فوفانا (۲۳.۰) در یک‌سوم نهایی زمین، همگی میانگین پرس بیشتری نسبت به شرکی (۱۷.۷) داشتند. تعداد بازپس‌گیری‌های توپ شرکی، چه به‌صورت کلی (۳.۷) و چه در یک‌سوم هجومی (۰.۶) نیز در پایین‌ترین سطح خود از فصل ۲۰۲۱-۲۰۲۰ تاکنون قرار داشته است. نمودار راداری عملکرد او نیز چندان نشان‌دهنده تلاش دفاعی بالایی نیست.

وینگرهای منچستر سیتی، دوکو و ساوینیو، در هر دو شاخص پرس در یک‌سوم هجومی در هر ۹۰ دقیقه (به‌ترتیب ۱۹.۳ و ۱۹.۰) و بازپس‌گیری مالکیت توپ (۴.۰ و ۳.۸) آمار بهتری داشتند، هرچند تفاوت آن‌ها چشم‌گیر نیست. باید به این نکته نیز اشاره کرد که اعداد نسبتاً پایین شرکی به این معنا نیست که او نمی‌تواند در حالت بدون توپ پرس کند، بلکه این کاری نیست که در سیستم لیون انجام می‌داده یا از او خواسته می‌شد. شرکی هنوز هم یک الماس تراش‌خورده است. پیوند او با منچستر سیتی زمانی هیجان‌انگیزتر می‌شود که در نظر بگیریم بازیکنی با این میزان استعداد خام و نپخته، زیر نظر پپ گواردیولا تا چه اندازه می‌تواند رشد و پیشرفت کند.



■ سردبیر: مهدی تیموری

■ صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهرداد تیموری

■ صفحه آرا: امیر بیات

■ مدیر روابط عمومی: مهسا تیموری

■ تحریریه: دکتر مهرداد فرشیدی، مجید سعیدی، اصغر قلندری، محمدرضا کاظمی، سیدرضا فیض آبادی، حسن صانعی پور و سارا نصرتی

■ چاپ: کهن

■ شماره: ۳۴۴۹۹۲۵۵

■ تلفن: ۶

■ واحد: ۲

■ طبقه: ۱

■ پلاک: ۱

■ کوچه میثم

■ بلوار جمهوری شمالی

■ کرج

■ نشانی: کرج

■ بلوار جمهوری شمالی

■ کوچه میثم

■ پلاک: ۱

■ طبقه: ۱

■ واحد: ۲

■ چاپ: کهن

«دنیای هوادار» یاد روح قلم و مرام زنده یادان ناصر احمدپور و عباس عبدالملکی، بزرگان عرصه مطبوعات ورزشی کشور را پاس می دارد

www.donyayehavadar.ir

دنیای هوادار

چهارشنبه ۴ تیر ۱۴۰۴
شمارگان ۱۸۴۰

چه خوراکی های در تابستان نخوریم؟

×



قهوه

کم آبی در بدن

×



مصرف زیاد ادویه جات

بالا رفتن دمای بدن

×



غذاهای پر چرب و سرخ شده

دیر هضم و مضر برای گوارش

×



انواع سس ها

موجب نفخ و سستی

×



غذاهای بدون سبزیجات

تولید گرماي بیشتر در بدن

×



مغزها و آجیل

دیر هضم بودن